مقالات اقتصادی: پژوهشی درباره: منطقه ها و سرزمین های آزاد (منطقه ها و سرزمین های آزاد آسیا و اقیانوسیه)

امروزه دیگر اهمیت آسیای جنوب شرقی در بازرگانی‏ بین المللی به هیچ وجه تنها به خاطر وجود یکی از سه‏ تنگه‏ی آبی بزرگ بین المللی،یعنی‏"مالاکا" ( MALACCA )و نقش آن در تسهیل و توسعه‏ی بازرگانی‏ بین المللی در این بخش از جهان خلاصه نمی‏شود.اهمیت‏ آسیای جنوب شرقی در بازرگانی بین المللی،در حال حاضر بیشتر از آن جهت است که هرآنچه را می‏توان بر آن نام‏ منطقه آزاد نهاد،در آنجا یافت می‏شود.در آسیای جنوب‏ شرقی،به ویژه در دریای جنوبی چین مجموعه‏ای از تولید و دادوستد منطقه هائی چون هنگ‏کنگ،سنگاپور، مالزی،تایوان(منطقه‏های ویژه)،چین،فیلیپین و اندونزی‏ شکل گرفته و بازرگانی جهانی را به گونه‏ای درخور توجه‏ متاثر ساخته است.افزون بر این با به کارگیری سرمایه‏ و خدمات در ابعاد وسیع و هم‏چنین نیروی کار ارزان خارج از مرزها،چینی‏های آن سوی دریاها را از ساحلی به ساحل‏ دیگر می‏خواند و بدین‏سان بنای تعداد زیادی از مرزهای‏ بازرگانی جدید فراهم می‏شود.

با اینحال مسئله‏ای که در آسیای جنوب شرقی باید مورد توجه و دقت بسیار قرار گیرد،آنست که از تداخل منطقه‏های‏ صرفا صنعتی با منطقه‏های آزاد به ویژه در بررسی‏ها، خودداری شود و کلیه تولیدات ساخت تایوان یا مالزی به‏ عنوان تولیدات منطقه‏های آزاد قلمداد شود.باید متوجه بود که حتی در هنگ‏کنگ و سنگاپور که به سادگی می‏توان‏ آنها را"منطقه‏ی آزاد"بزرگ تلقی کرد،موقعیت تا حدود زیادی متفاوت است.به عبارت دیگر برخی جاها کم یا بیش آزادتر از نقاط دیگرند.و این تفاوت و میزان آن را به‏ سادگی و با یک آزمایش کوچک می‏توان اندازه گرفت و بدینسان میزان آزادی واقعی منطقه‏ی مختلف را تعیین‏ کرد.

بهرحال آنچه مسلم است آسیای جنوب شرقی از مجموعه مزایائی استثنائی برخوردار است.مثلا اگر نقاط دیگر جهان و به‏طور مثال حوزه‏ی دریای کارائیب یا خاورمیانه را مورد ملاحظه قرار دهیم متوجه خواهیم شد که‏ با حجم و تعداد بیشتری از منطقه‏ها و ناحیه‏هائی که در آنها قوانین و مقررات لغو شده یا کاهش یافته روبه‏رو خواهیم‏ بود.با اینحال باید پذیرفت که امکانات بیشتر برای‏ دادوستد در اختیار هنگ‏کنگ،ماکائو،و"سنگاپور"و سرزمین‏هائی می‏باشد که هنوز سنت‏های خود را حفظ کرده و دنبال می‏کنند.

نکته‏ای که جلب توجه می‏کند این‏که چین جزیره‏ "هاینان‏"را به صورت نیمه آزاد در آورده است،اما در آنجا با مشکل فساد و تعمیم آن برخورد کرده است.نکته دیگر این‏که اگر نیروی کار در کارائیب و خاورمیانه از نظیر کمیت‏ و قابلیت تولید ذخیره‏ای تمام‏نشدنی شناخته شده است،از نظر سرمایه،همبستگی چینی‏ها موجب انتقال سرمایه به‏ آنجا شده است.به ویژه از لحاظ رقابت،قیمت و به مقابله‏ برخاستن،با رقبا خاصه در برابر ایالات متحده آمریکا که‏ در همه جا حاضر است.همچنین با اروپا که از دیرگاه در این‏ نواحی دارای سابقه است و یا ژاپن که در سالهای بعد از جنگ جهانی دوم جای پا باز کرده و اکنون بر سر سفره حاضر و آماده نشسته و با فعالیت‏های فرودگاهی و پایگاههای‏ سوق الجیشی،ثباتی قابل توجه به دست آورده است.

این ویژگی‏ها کلا برای منطقه‏های آزاد و خارج از منطقه‏های آزاد دارای ارزشی ویژه می‏باشند.مراکز تجاری خارجی در این منطقه‏ها نقش تردیدآمیز خود را برای کسب مزایا و تضمین‏های استثنائی ایفاء می‏کنند. این استدلال ظریف میان منافع محلی و منافع خارجی‏ در کلیه‏ی تجزیه تحلیل‏های مربوط به منطقه‏های آزاد آسیا به چشم می‏خورد.یعنی دانستن این واقعیت که:"چه‏ کسی نفع بیشتری می‏برد؟"و این موضوع اصلی قضاوت‏ است.مسئله مهم در این منطقه از جهان این است که‏ منطقه‏های آزاد توانسته‏اند مشکل‏های جدید توسعه را تا حدودی حل کنند.واقعیتی که ناشی از باور عمومی در مورد بهره‏گیری از منطقه‏های آزاد می‏باشد.

اما نکته‏ای که نباید از آن به سادگی گذشت و برای‏ ممالکی که هنوز دست‏اندرکار ایجاد منطقه‏های آزاد نشده‏اند،به ویژه ممالک در حال توسعه،این‏که از برخی‏ جهات،دست کم برای برخی مکان‏ها زمان به سرآمده‏ است و به بیان دست‏اندرکاران‏"ماه عسل به پایان رسیده‏ است‏".سرمایه‏های آمریکائی برای بازگشت به آمریکا و یا اروپا از مدتها پیش روبه خروج است و به احتمال ممکن‏ است به منطقه‏ها و کشورهای کاملا جدیدی سوق داده‏ شود،کشورها یا منطقه‏هائی که سرمایه‏گذاری در آنها متضمن تحصیل سود به مراتب بیشتری می‏باشد و بدین‏ ترتیب تردید نیست که از این پس رفته‏رفته در منطقه‏های آزاد موجود تنها موسسات بازرگانی محلی باقی‏ خواهند ماند،آن هم با روش‏های جدی‏تر کار.

به همین دلیل و براساس اعمال سیاست تعادل ضعیف‏ در بررسی این منطقه‏ها ملاحظه می‏شود که سطح عمومی‏ دستمزدها به همان اندازه که مشاغل جدید ایجاد می‏شود افزایش می‏یابد،درحالی‏که محاسبات مربوط به قابلیت‏ تولید تا حدودی فریب‏دهنده است.تعادل ضعیف‏ عبارتست از به دست آوردن حد اکثر کار ممکن با کمترین‏ دستمزد ممکن.اکنون موقعیت به گونه ایست که یک‏ کارگر آمریکائی برای یک کار مشخص 50 تا 60 برابر یک‏ کارگر آسیائی دستمزد دریافت می‏کند.

در سال‏های اخیر سه گروه از کشورها از نظر دستمزد شناسائی شده‏اند،یعنی در حالیکه دستمزد در سنگاپور 250 دلار است،در مالزی 120 دلار و در تایلند 10 دلار،اما در اندونزی این رقم گاهی به 40 دلار در ماه می‏رسد و این‏ یکی از عمده‏ترین دلائلی است که گفته می‏شود اندونزی‏ روزهای خوشی را از نقطه نظر مناطق آزاد در پیش دارد. البته موفقیت در این زمینه مشروط به آن خواهد بود که‏ اندونزی با گشاده‏روئی درهای کشور را به روی صاحبان‏ سرمایه‏های خارجی بگشاید و به گونه‏ای کارآنقش خود را ایفا کند.

درهرحال باید توجه داشت که آسیای جنوب شرقی به‏ دایره‏هائی با یک مرکز اصلی تقسیم شده است.در این‏ مرکز،هنگ‏کنگ،سنگاپور و تایوان هرکدام به نحوی به‏ حال اشباع درآمده‏اند و از نقطه نظر کار و تکنولوژی به حد بالائی رسیده‏اند.

در این‏جا مراکز بازرگانی خارجی و محلی با بردباری‏ سوادگرانه در کنار یکدیگر سرگرم فعالیتند و کار را باهم‏ تقسیم می‏کنند و لذا روشن است که دیگر مسئله لغو یا کاهش قوانین و مقررات و آزاد بودن نمی‏تواند مطرح باشد.

در این‏جا در نخستین منحنی تایلند و مالزی و...که‏ حالتی صوری داشتند باز هم برای ایجاد منطقه‏های آزاد با اتکاء به نیروی مسلط خارجی به نوعی دست به قمار می‏زنند.

در منحنی دوم سریلانکا،بنگلادش و اندنزی خود را به‏ عنوان منطقه‏های آزاد علم می‏کنند.منطقه‏هائی که با وسائل محلی و سرمایه‏هائی از هنگ‏کنگ و سنگاپور و شرایط اجتماعی در سطح فوق العاده پائینی توسط برخی‏ موسسات بازرگانی که بیشتر فعالیتی غارتگرانه دارند تا سرمایه‏گذاری،اداره می‏شوند.بنابراین شک نیست که‏ سرمایه‏های غربی تا حدودی در تردید باشند.

نکته‏ای که توجه به آن بیش از همه درخور اهمیت است‏ نقش چین در این منطقه است که به گونه‏ای بازی را مختل کرده است.زیرا منطقه‏های آزاد به هیچ وجه از تضادهای داخلی جلوگیری نمی‏کند.به ویژه تضادهای‏ میان شهر و محل،آن هم در یک ناحیه و داخل یک‏ مجموعه.به ویژه میان دولت مرکزی و مقاومت محلی: برای مثال هنگامی که دولت درصدد انتقال تکنولوژی بر می‏آید،مقام‏های محلی برای حل مشکلات حاد خود مانند بیکاری و پائین بودن سطح اشتغال،آماده‏اند هرگونه‏ امتیازی را به سرمایه‏گذاران بدهند.

البته باید متوجه بود که چین همزمان هم ظاهر امر را تائید می‏کند،هم آشوب را،زیرا همان سیاست‏ها را در سواحل جنوبی دارد و همان تضادها را میان مرکز و نواحی.اما روشن است که چین بسان ممالک سرمایه‏داری و عینا به‏ همان سبک،منطقه‏ی آزاد را مورد بهره‏برداری قرار می‏دهد و لذا به نظر می‏رسد لازم باشد ممالک واقع در منطقه را در ارتباط با منطقه‏ی آزاد به گونه‏ای مستقل‏ از یکدیگر مورد اشاره قرار داد.

تایلند:

بی‏تردید از کشورهای بانی مرحله کنونی آسیای جنوب‏ شرقی است.بااین‏حال این کشور در حال حاضر تنها دارای یک منطقه آزاد است منطقه‏ای که در قلب یک بندر درحال‏توسعه در جنوب شرقی‏"بانکوک‏"به نام‏ "ساتاهیپ‏"( SATAHIP )واقع است و ویژه تولید صنایع‏ سبک است که همزمان از منتهی الیه بندر و فرودگاه‏ "اوتافااو"( UTAPHAO )بهره می‏گیرد.علاوه‏براین‏ بانکوک دارای یک انبار آزاد گمرکی می‏باشد که در تسهیل‏ بازرگانی خارجی تایلند درخور اهمیت ویژه است.

برمه:

در برمه ظاهرا جز یک انبار آزاد که در"رانگون‏"وجود دارد منطقه آزاد دیگری وجود ندارد.

اندونزی:

اندونزی از جمله مواردی است که برای سرمایه‏گذاری از موقعیتی فوق العاده مناسب برخوردار است.اما به طوری‏که‏ مشاهده می‏شود عملا از این موقعیت استفاده نشده است، زیرا اندونزی در حاشیه کانون آسیای جنوب شرقی قرار گرفته است.لذا نه می‏تواند آنچنان‏که لازم است ایجاد تحرک کند و نه آن‏چنان توانمند است که بتواند اطمینان‏ لازم را برای صاحبان سرمایه‏های خصوصی فراهم سازد.

اندونزی حسب قوانین جاری خود هم منطقه‏ی آزاد دارد و هم ندارد.در اندونزی از سال 1972 قانونی به موقع اجرا درآمده است که آزادی بازرگانی در آن منظور شده است. این قانون در سال 1977 اصلاح شد.البته باید اذعان‏ داشت که به‏طور کلی تنها شهر"جاکارتا"می‏تواند مصداق‏ مفهوم این قانون قرار گیرد و از آزادی بازرگانی برخوردار باشد و لا غیر.

تا سالهای 1993 در اندونزی حدود 300 هزار مترمربع‏ انبارهای انبارهای آزاد کاملا حفاظت شده در"تانجوک‏ پریوک‏"( TANJUNG PERTUK )جاکارتا در بندر "نوسانترا"( NUSANTRA )وجود داشت که حدود 700 نفر در آن به گونه‏ای سنتی و کلاسیک در انبارهای آزاد گمرکی‏ به کار اشتغال دارند.علاوه‏براین در منتهی الیه منطقه‏ و نزدیک فرودگاه نیز یک منطقه آزاد صنعتی ایجاد شده‏ است که در آن حدود 18 شرکت مستقر بودند.

اندونزی یک اساسنامه یا شبه اساسنامه آزاد در اختیار بسیاری از منطقه‏های صنعتی یا تجاری-صنعتی‏ قرار داده است.این مناطق عبارتند از:"پولوگادونگ‏" ( PULGADUNG )نزدیک جاگارتا،"سمارانگ‏" ( SEMARANG )،"سیلاکاپ‏"( SILACAP )و"رونگ‏کوت‏ سورابایا"( RUNGKUT SURABAYA )در جاوه‏ و همچنین در شمال‏"سوماترا"و"اوجون پاندانگ‏ ( UIUNPANDANG )و...

سنگاپور:

کشور مستقل سنگاپور که از سال 1963 به استقلال‏ رسیده است مجمع الجزایر 54 گانه ایست که در مجموع‏ 618 کیلومتر مربع طول دارد و دارای 7/2 میلیون نفر سکنه‏ است حدود بیش از 4/3 جمعیت آن دختران را جوان چینی‏ تشکیل می‏دهند.سهم صنعت در تولید ناخالص ملی‏ سنگاپور 8/28 درصد و معادل 24 میلیارد دلار است.تعداد شاغلین سنگاپور بالغ بر 337 هزار نفر کارگر و کارمند است‏ که 115 هزار نفر آنها در منطقه صنعتی‏"جورونگ‏ "( DHURUNG )در غرب به کار اشتغال دارند.

 به‏طور کلی سنگاپور یک دولت کوچک‏ شبه جزیره ایست که به‏طور کامل روی خطوط دریائی قرار گرفته است و بی‏تردید استقلالش را مدیون همین موقعیت‏ و کیفیت است.

سنگاپور بی‏شک امروزه موفق‏ترین است و گوئی می‏رود که قربانی همین موفقیت شود،یرا از هر نظر اشباع شده‏ است و دستمزدها در این کشور،در آسیا بالاترین است.

دولت سنگاپور به بهبود تولید و تکنولوژی خود توجه ویژه‏ دارد.اکنون در مقایسه با هنگ‏کنگ به مراتب ماشین آلات‏ بیشتر و منسوجات کمتر صادر می‏کند.اما رفته‏رفته در سنگاپور همه چیز رو به آرامش است.توریسم و اقامت‏گاه‏های مجلل نیز در حال رکود به سرمی‏برند.از سوی دیگر تثبیت صنایع سنگین تا حدی مشکل به نظر می‏رسد.از آن جمله می‏توان به پالایشگاه نفت‏ و پتروشیمی آن اشاره کرد.ساختمان‏های دریائی جزیره‏ تحت تاثیر بحران قرار گرفته‏اند.مراکز تجاری خارجی یا تجهیزات خود را کاهش داده‏اند و یا آن‏که از سنگاپور خارج‏ می‏شوند.شرکت‏های کوچکی که در آغاز کار،توسعه‏ سنگاپور را سبب شده بودند،اکنون موقعیت خود را کاهش‏ داده‏اند و یا آن‏که از سنگاپور را سبب شده بودند،اکنون‏ موقعیت خود را از دست داده‏اند و در وضع بدی به سر می‏برند.طبق بررسی،دولت سنگاپور هر روز بیش از پیش‏ تعداد مجوزهای کار صادره برای کارگران خارجی را به‏ نحوی کاهش می‏دهد.جالب توجه اینکه با اینحال روند تولید رو به افزایش است و خطوط هوائی سنگاپور هرگز از چنین موقعیت ممتازی برخورد نبوده است.

البته باید توجه داشت که سنگاپور از سال 1819 به‏ گونه‏ای یک منطقه آزاد بازرگانی بوده است.از سال 1969 به بعد نیز 6 منطقه آزاد تجاری خاص را ایجاد کرده است. این مناطق عبارتند از:"کپل‏وارو"( KEPELYARU )در محوطه‏ای به مساحت 20 هکتار و ظرفیت حمل کالا به‏ میزان 9 میلیون تن در سال مانند سیمان و مشروبات و غیره‏ "تانجونک یاگار"( TANJUNG YAGAR )در محوطه‏ای‏ به مساحت 80 هکتار و ظرفیت بندری 14 میلیون تن‏ حمل کالا:"جورونگ پورت‏"( GURUNGPORT )در محوطه‏ای به مساحت 31 هکتار و ظرفیت 7 میلیون تن‏ کالا و...و 15 منطقه صنعتی با 100 هزار کارگر و 300 مرکز بازرگانی.